

بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی و اقتصادی بر فرهنگ سیاسی شهروندان شیراز (با تأکید بر مطالعه تطبیقی متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰)

شاهرخ امیری^۱

علیرضا خدای^۲

کرامت‌الله راسخ^۳

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۰/۲/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵

چکیده

یکی از پیش‌نیازهای موثر بر گذار به دموکراسی فرهنگ سیاسی مولفه‌ای مهمی می‌باشد. به گمان برخی اندیشمندان فرهنگ سیاسی تابع شرایطی از جمله پشتوانه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. این پژوهش با فرضیه‌های تأثیر سرمایه فرهنگی و اقتصادی بر فرهنگ سیاسی در شهر شیراز پرداخته است. روش پژوهش و جمع‌آوری داده‌ها از رویکرد اکتشافی و پیمایشی استفاده و نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای که پیمایش بر روی ۳۸۲ نفر از متولدین قبل و ۳۸۲ نفر بعد از دهه ۶۰ و ابزار تحقیق در تجزیه و تحلیل با نرم‌افزار spss، انجام که یافته‌ها و نتایج پژوهش نشان می‌دهد تفاوت معنی‌داری بین سرمایه فرهنگی و اقتصادی دو نسل وجود دارد، همین‌طور انواع فرهنگ سیاسی در بین دو نسل تفاوت معنی‌داری دارند. همچنین رابطه منفی معناداری بین سرمایه فرهنگی و اقتصادی با فرهنگ سیاسی محدود و تبعی بین دو نسل وجود دارد. از سوی دیگر بر اساس آزمون فرضیات تقویت سرمایه فرهنگی و اقتصادی موجب رشد و شکوفایی فرهنگ سیاسی مشارکتی بین هر دو نسل می‌شود.

واژگان کلیدی: سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی، فرهنگ سیاسی محدود، فرهنگ سیاسی تبعی، فرهنگ سیاسی مشارکتی، نسل، شیراز.

۱. دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، گرایش جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جهرم، جهرم - ایران.

۲. استادیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جهرم، جهرم - ایران (نویسنده مسئول).
E-mail: khoddamy@jia.ac.ir

۳. دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جهرم، جهرم - ایران.

مقدمه

از پیش‌نیازهای مهم مؤثر بر گذار به دموکراسی، فرهنگ سیاسی به عنوان مولفه‌ای مهم برجستگی ویژه‌ای یافته است. گابریل آلموند، اولین نظریه‌پردازان این حوزه، فرهنگ سیاسی را الگوی نگرش‌ها و سمت‌گیری‌های فردی نسبت به سیاست میان اعضای یک نظام تعریف می‌کند (شریف، ۱۳۸۱: ۸). باورها و اعتقادات و اموری از این دست که به عنوان عوامل زیربنایی و متشکله فرهنگ سیاسی معرفی می‌شوند، زیر تأثیر عوامل اجتماعی فرهنگی و اقتصادی اشکال و وجوه گوناگونی به خود می‌گیرند. از این منظر، فرهنگ سیاسی جوامع و حتی گروه‌های گوناگون، مبتنی بر عناصر اجتماعی فرهنگی و اقتصادی به گونه‌های گوناگونی تفکیک شده‌اند (احمدی و نمکی، ۱۳۹۱: ۲۴۷).

به گمان بسیاری از اندیشمندان، فرهنگ سیاسی تابع شرایطی از جمله پشتوانه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی است. پیش از به میان آمدن مضامین سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی، نگاه به مؤلفه‌های توسعه و عوامل دخیل در آن، محدودتر از امروز بود. اما برخی جامعه‌شناسان در راس آن‌ها پیر بردیوی فرانسوی با طرح مفاهیم سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی چشم‌اندازهای نوینی را گشودند. اگر در گذشته، پس از عبور از دوران تأکید بر سرمایه‌های مادی و فیزیکی، بر سرمایه انسانی تأکید می‌شد، امروزه بر ارتقاء سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی تأکید می‌شود و تحقق توسعه فرهنگ سیاسی به ویژه در بُعد عدالت عمیقاً در گرو توسعه اجتماعی و فرهنگی تلقی می‌گردد.

باید اشاره کرد که مفاهیم سرمایه فرهنگی و مشارکت سیاسی از مفاهیم اساسی و پایه‌ای هستند که نه تنها در کشورهای پیشرفته بلکه در کشورهای جهان سوم نیز برای اندیشمندان به مساله‌ای مهم تبدیل شده است. مفهوم سرمایه فرهنگی به اشکال مختلف در دنیای جدید اهمیت پیدا می‌کند. متفکرانی هم‌چون بردیوی بر این باورند که جامعه برای این که بتواند در مسیر پیشرفت (در عرصه‌های مختلف) درست و کم هزینه گام بردارد نیازمند سرمایه‌گذاری درازمدت در زمینه سرمایه فرهنگی می‌باشد، در حالی که انجام سرمایه‌گذاری‌های کلان توسط دولت‌ها و سازمان‌های رسمی پر هزینه می‌باشد، اما از طریق شبکه‌های فرهنگی که منجر به مشارکت داوطلبانه مردم مخصوصاً در حوزه‌های سیاسی می‌شوند، این هزینه‌ها به حداقل می‌رسد. بنابراین سرمایه فرهنگی پیش‌نیاز توسعه صحیح و کم هزینه در بخش‌های مختلف جامعه از جمله عرصه‌های سیاسی و مخصوصاً مشارکت سیاسی محسوب می‌شود.

مفهوم سرمایه فرهنگی از زمانی که پیر بردیوی در سال ۱۹۷۷ آن را مطرح ساخت، در تدقیق مباحث مربوط به سرمایه جایگاه ویژه‌ای یافت و کاربرد گسترده‌ای پیدا کرد. بردیوی به همراه پاسرون برای اولین بار عبارت «بازتولید فرهنگی و بازتولید اجتماعی» را در عنوان اثر خود به کار بردند (برای مثال، چرا دانشجویان خانواده‌های ثروتمند به طور نامتناسبی از موفقیت دانشگاهی بهره می‌برند، در حالی که دانشجویان خانواده‌های فقیر این طور نیستند). در این معنا، سرمایه فرهنگی بیش از همه با تحصیلات و موفقیت تحصیلی در مدرسه مرتبط است (Bourdieu, 1986).

تحقیقات مختلف نشان داده است اشخاص وابسته به طبقات و گروه‌های مختلف؛ دیدگاه‌های سیاسی کاملاً متفاوتی دارند. نقش چنین گروه‌بندی‌هایی در مراحل اولیه زندگی بسیار مهم است. کودک گرایش‌های سیاسی و اساسی را در سال‌های اولیه در محیط خانواده کسب می‌کند و گروه‌بندی‌های اجتماعی که خانواده واحدی از آن محسوب می‌شود؛ بر فضای سیاسی خانواده تأثیر مطلوبی به جای می‌گذارد. مثلاً خانواده‌ای که از لحاظ اقتصادی به طبقه پایین جامعه تعلق دارد؛ علاقه کمتری به آموزش صریح و روشن سیاسی به فرزندان خود نشان می‌دهد تا یک خانواده متوسط یا بالاتر. خانواده‌های متوسط و مرفه از لحاظ اقتصادی به آموزش سیاسی کودکان خود تمایل بیشتری نشان می‌دهند و سعی دارند که کودکان خود را برای زندگی سیاسی آماده کنند و شرایط مشارکت آن‌ها را در مسایل سیاسی فراهم نمایند (گلچین، حق‌خواه و سیدی، ۱۳۸۷: ۲۳۵-۱۸۹). این مفهوم در پژوهش حاضر تحت عنوان سرمایه اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

افراد با داشتن سرمایه اقتصادی می‌توانند کالاهای فرهنگی بیشتری در اختیار داشته باشند و از امکانات تحصیلی و آموزشی بیشتری برخوردار شوند، از این طریق سرمایه فرهنگی خود را افزایش دهند. در این راستا سرمایه اقتصادی نیز می‌تواند با توجه به تقویت سرمایه فرهنگی در تقویت فرهنگ سیاسی اثرگذار باشد.

تأکید بر این نکته الزامی است که تغییر و دگرگونی در میزان سرمایه اقتصادی و فرهنگی نشانگر علائم بیماری یا سلامت جامعه است و جوامعی که میزان سرمایه آن‌ها به هر دلیلی کاهش یابد، گسیختگی‌ها و شکاف‌های ژرفی در میان گروه‌های اجتماعی آن پدیدار می‌گردد و باعث می‌شود که عوامل واسطه‌پذیری آن که شامل شبکه‌های رسمی و غیررسمی سازمان‌ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی مربوط به مشارکت می‌باشد، به صورت صحیح عمل نکرده و جامعه را با بحران‌های گوناگون رو به رو سازد؛ لذا این امر خود منجر به کاهش و زوال تدریجی فرهنگ سیاسی در جامعه می‌شود.

چنین به نظر می‌رسد که این پژوهش می‌تواند برای لایه‌های تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر حوزه توسعه و اقتدار ملی که تاکید بر ابعاد وحدت و عدالت دارند مفید باشد. این پژوهش در پی بررسی رابطه میان سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی از یک سو، و فرهنگ سیاسی مردم شهر شیراز از سوی دیگر است. در عین حال از آن جا که بر اساس مشاهدات پژوهشگر، نوع رفتارهای سیاسی و منش و مشارکت و فرهنگ سیاسی شهروندان قبل و بعد از دهه ۶۰ با یکدیگر متفاوت است. بنابراین مبنای مقایسه و مطالعات ما، دو نسل قبل و بعد از دهه مذکور است.

هم‌چنین جنبه مجهول پژوهش، ارتباط سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی و فرهنگ سیاسی مردم شیراز و تأثیرگذاری متفاوت آن در بین نسل‌های مختلف است. از آن جا که در بررسی‌های صورت گرفته در قالب پژوهشی جامع پیرامون رابطه انواع سرمایه با فرهنگ سیاسی صورت نگرفته و یا اگر پژوهشی موجود است، بر یکی از جنبه‌های سرمایه و یا یکی از ابعاد فرهنگ سیاسی از جمله مشارکت سیاسی

تمرکز شده است. نکته مهم‌تر این که این پژوهش به مقایسه تطبیقی متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ می-پردازد؛ پژوهش حاضر در نظر دارد که رابطه این ابعاد مختلف را بسنجد و آن را به عنوان یکی از معیارهای پژوهش برای اثرگذاری بهتر جهت تصمیم‌گیری‌های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی و همچنین راهنمایی برای تحقیقات آیندگان قرار دهد.

اهداف تحقیق

اهداف کلی

- سنجش میزان ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی و اقتصادی در میان پاسخگویان.
- سنجش میزان فرهنگ سیاسی محدود، تبعی و مشارکتی در میان پاسخگویان.
- بررسی تاثیر ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی بر فرهنگ سیاسی محدود، تبعی و مشارکتی در میان پاسخگویان با توجه به تفاوت نسلی.
- بررسی تاثیر ابعاد مختلف سرمایه اقتصادی بر فرهنگ سیاسی محدود، تبعی و مشارکتی در میان پاسخگویان با توجه به تفاوت نسلی.

اهداف کاربردی و اختصاصی

با توجه به شناسایی مولفه‌های تاثیرگذار و حایز اهمیت در شکل‌گیری و تقویت فرهنگ سیاسی شهروندان می‌توان نسبت به برنامه‌ریزی کارشناسانه در جهت پیشبرد و تقویت فرهنگ سیاسی فعال و اثرگذار در جامعه اقدام نمود.

مروری بر پژوهش‌های پیشین

- پورافکاری، نصراله (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای گرایش و فرهنگ سیاسی دانشجویان را تبیین کرده است. مطابق تحقیق او، برای جوانان تجربه زندگی دانشگاهی، پیشاهنگی مطلوب برای آینده است، آینده‌ای که در آن، علاوه بر علم و تخصص درسی، نیاز به علم و تخصص اجتماعی دارد تا بتواند در تعامل و برقراری ارتباط با جامعه موفق عمل شود. سیاست به مثابه یک فکر و یک روش می‌تواند راه‌گشای خیلی از مشکلات جامعه انسانی و همچنین مستعد مشکلات فراوانی باشد؛ پس می‌توان از سیاست به عنوان یک نهاد دارای کارکرد و کژکارکرد یاد کرد. نتایج گویای رابطه معناداری بین متغیرها؛ دانش سیاسی، عقاید دینی، فعالیت سیاسی و عقاید دینی گرایش سیاسی رابطه وجود دارد.

- اکبرزاده، دهقانی، خوشفر، و جانعلی‌زاده چوب بستی (۱۳۹۲)، می‌گویند، به علت اهمیت شادی و نقش آن در زندگی جوانان، هدف تحقیق حاضر بررسی میزان احساس شادی جوانان شهر بابلسر و تاثیر

سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر آن است. نوع روش تحقیق پیمایشی است. تعیین میزان تأثیر هر یک از این سه نوع سرمایه بر میزان احساس شادی، از مهم‌ترین فرضیه‌های این تحقیق هستند. برای انجام این پژوهش، از یک نمونه ۳۸۰ نفری از ساکنان ۲۹-۱۵ سال بابلسر، استفاده شده است. یافته‌های تحقیق گویای آن است که میزان شادی پاسخگویان به طور کلی در حد متوسط است. از بین متغیرهای زمینه‌ای و جمعیت‌شناختی مورد مطالعه، هیچ کدام با شادی رابطه معناداری نداشتند. متغیرهای سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی به ترتیب نیز، ۲۲/۵ درصد از واریانس احساس شادی در جامعه آماری را تبیین می‌کنند. به طور کلی، تمام انواع ذکر شده سرمایه با هم‌دیگر وابستگی متقابل دارند و هر شکلی از آن به گونه‌ای می‌تواند آفریننده شادی باشد.

- مطالعه فائق و باینگانی (۱۳۹۵)، سنجش سرمایه فرهنگی طبقات براساس پایگاه اقتصادی- اجتماعی در میان شهروندان اصفهانی است. رویکرد نظری این پژوهش بر ترکیبی از نظریه پیر بورديو و ماکس وبر استوار شده است. در سطح توصیفی نتایج به دست آمده نشان داد که بیشتر شهروندان در طبقه متوسط قرار دارند و میزان سرمایه فرهنگی و ابعاد آن در میان طبقات متفاوت است، به طوری که کمترین میانگین مربوط به طبقه پایین، سپس طبقه متوسط و بیشترین آن مربوط به طبقه بالا است. در سطح تحلیلی نیز یافته‌ها نشان داد که پایگاه اقتصادی اجتماعی با سرمایه فرهنگی رابطه معناداری دارد و از میان ابعاد آن بیشترین نقش تبیین‌کنندگی را در زمینه سرمایه فرهنگی نهادینه شده ایفاء می‌کند.

- وانگ و همکاران (۲۰۰۵)، در تحقیقی با عنوان «توزیع نابرابر سرمایه فرهنگی» به این نتیجه رسیدند که حجم و ترکیب سرمایه فرهنگی در میان طبقات اجتماعی متفاوت است و به میزان تحصیلات آن‌ها بستگی دارد. بنابراین، تا آن جا که سرمایه فرهنگی در شکل دانش متنوع و شناخت گونه‌های خاص یا نویسندگی مخصوص به گونه‌ای نابرابر در میان طبقات اجتماعی توزیع شده است، به اعتقاد آن‌ها مالکیت سرمایه فرهنگی می‌تواند منبع مهمی در تعریف و شکل‌دهی به مرزهای طبقاتی در جوامع دو رگه و به سرعت در حال تغییر باشد.

- هینسن و اندرسون (۲۰۱۱) نیز، در تحقیقی که در میان پنج نسل از دانش‌آموزان نروژی انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه متقابلی بین سرمایه فرهنگی و پایگاه طبقاتی و فرهنگ سیاسی دانش‌آموزان وجود دارد.

- گئورگ (۲۰۰۴)، در مطالعه‌ای که میان افراد واقع در سنین ۱۸ تا ۳۶ ساله آلمانی انجام داده، به این نتیجه رسیده است که بین مشارکت سیاسی و سرمایه فرهنگی رابطه وجود دارد. در خصوص پژوهش‌های پیشین باید اشاره نمود که در اکثر تحقیقات داخلی، با دیدی آسیب‌شناسانه، به پیامدهای ناگوار کاهش انواع سرمایه اشاره شده است. هم‌چنین اطلاعات توصیفی نسبتاً خوبی در مورد انواع سرمایه و فرهنگ سیاسی وجود دارد. به علاوه غالب تحقیقات، به ویژه تحقیقات اخیرتر، از بعد نظری خوبی برخوردار هستند.

و نکته قوت بعدی این که روش‌شناسی اغلب تحقیقات با روش مورد استفاده در این پژوهش یکسان می‌باشد، که نتایج آن‌ها می‌تواند با نتایج مطالعه ما، مورد مقایسه، بررسی و بحث قرار بگیرد. از سوی دیگر به دلیل گسترده بودن مفهوم سرمایه، اکثر این تحقیقات، بخشی از این مفهوم را به عنوان ابعاد سرمایه مورد بررسی قرار داده‌اند؛ اما در نتیجه‌گیری، یافته‌های تحقیق خود را به طور کلی به انواع سرمایه نسبت داده‌اند. همین طور اغلب تحقیقات انواع سرمایه‌ها و یا حتی فرهنگ سیاسی روی قشرهایی انجام شده که، پایداری آن قشر فقط به زمان خاصی بر می‌گردد (مانند، قشر دانشجویان یا جوانان، ...). در نتیجه عملیاتی‌سازی نتایج این گونه تحقیقات فقط مخصوص به مقطع خاصی است. نکته آخر هم این که تحقیقات داخلی تلاش نموده‌اند مفاهیم تحقیق را در مورد یک گروه واحد را مورد بررسی قرار بدهند. اما بررسی تطبیقی میان نیروهای مخالف صورت نگرفته است. حتی در تعداد معدودی از تحقیقات که به بررسی تطبیقی میان دو گروه پرداخته‌اند، مقایسه دو گروه فقط به صورت سطحی صورت گرفته است، که علت این امر این است که محققان از آماره‌های لازم جهت بررسی مقایسه‌ای میان دو گروه بهره‌مند نگردیده‌اند. ما ضمن بررسی تطبیقی با آماره مناسب سعی نموده‌ایم، بر روی گروه‌هایی پژوهش کنیم که سبک‌های زندگی گوناگون و بعضاً متضادی را در جامعه انتخاب می‌کنند.

مبانی نظری و ارایه مدل تحقیق

نظریه‌های مرتبط با سرمایه فرهنگی

سرمایه فرهنگی مجموعه‌ای از روابط، معلومات و امتیازات است که فرد، برای حفظ کردن یا به دست آوردن یک موقعیت اجتماعی از آن استفاده می‌کند. به عبارت دیگر، سرمایه‌ای فرهنگی به طور دائمی در قلمرو امکانات یک قشر، گروه، طایفه یا قبیله است (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۶۴). اصطلاح سرمایه فرهنگی در قیاس با سرمایه اقتصادی و نظریات، قوانین و تحلیل‌های مباحث مربوط به سرمایه‌داری در اوایل دهه ۱۹۷۰ رواج یافت. این مفهوم برای بررسی این مسئله که موانع اقتصادی برای تبیین نابرابری‌های موجود در موفقیت‌های آموزشی دانش‌آموزان طبقات اجتماعی مختلف، کافی نیست، ابداع شد. سرمایه فرهنگی بدون کوشش شخصی کسب و به ارث برده نمی‌شود، کسب سرمایه فرهنگی کار طولانی، مداوم و پیگیر، یادگیری و فرهنگ‌پذیری را می‌طلبد. کسب سرمایه فرهنگی زمان می‌خواهد و به امکانات مالی و مادی نیاز دارد، سرمایه فرهنگی از این بابت به نحوی تنگاتنگ به سرمایه اقتصادی گره خورده و به شکل دیگر آن، درآمد است (ین شویره و فونتن، ۱۳۸۵: ۹۶).

هائیس اصطلاح سرمایه فرهنگی را بازنمای جمع نیروهای غیر اقتصادی مانند زمینه خانوادگی، طبقه اجتماعی، سرمایه‌گذاری‌های گوناگون و تعهدات نسبت به تعلیم و تربیت، منابع مختلف و مانند آن‌ها دانست که بر موفقیت آکادمیک (علمی یا تحصیلی) تاثیر می‌گذارد. سرمایه فرهنگی به عنوان صلاحیت در فرهنگ پایگاه‌ها، گرایش‌ها و ایده‌ها تعریف می‌شود که اغلب یک مکانیسم مهم در بازتولید سلسله

مراتب اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. تمرکز اصلی تئوری سرمایه فرهنگی این است که فرهنگ از طریق سیستم آموزشی که بازتاب فرهنگ خواهد شد. چنین می‌توان برداشت نمود که سرمایه فرهنگی به مثابه نوع خاص سرمایه در زمره ارزش‌ها و هنجارهای والای جامعه است و طوری نیست که شخص یک شبه (مثل سرمایه اقتصادی) آن را کسب کند و یا انتقال دهد و یا این‌که قابل خرید و فروش باشد. احتمالاً وسیع‌ترین استفاده از واژه «سرمایه فرهنگی» در مطالعات جامعه‌شناسی و فرهنگی متعلق به بوردیو می‌باشد. وی افرادی را دارای سرمایه فرهنگی می‌داند که در فرهنگ پایگاه بالای جامعه شایستگی را به دست آورده‌اند (Throsby, 1999). فیرکین مولفه‌های سرمایه فردی را شامل سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی و سرمایه شخصی می‌داند که سرمایه‌ی فرهنگی در هر دو بخش سرمایه اجتماعی و سرمایه شخصی قرار می‌گیرد.

سرمایه فرهنگی سهمی از ارزش فرهنگی موجود در یک دارائی است. دارائی ممکن است به شکل محسوس و غیرمحسوس باشد. دارائی فرهنگی محسوس در ساختمان‌ها و ساختارها و سایت‌ها و مکان‌ها مختص به معانی فرهنگی و آثار هنری و نقاشی و مجسمه‌ها و اشیا وجود دارد.

سرمایه فرهنگی به عنوان منابع نمادین با کالاهایی که از نسلی به نسل دیگر در میان طبقات متوسط و بالا به منظور حفظ پایگاه طبقه منتقل می‌شوند تعریف شده است (Bourdieu, 1984). سرمایه فرهنگی بر مبنای نظر بوردیو دو منبع مهم دارد: نخست عادت‌واره‌های زندگی و دوم، تحصیلات خانوادگی. زیرا می‌تواند به فرد سلیقه، ادب و شیوه‌هایی را بیاموزد که فرد را به منزلت خاص نزدیک می‌کنند (ممتاز، ۱۳۸۳: ۱۵۳).

اشکال سرمایه فرهنگی

بوردیو با کنکاش در ویژگی‌های شاخص سرمایه فرهنگی نشان داد که سرمایه فرهنگی به سه صورت تجلی می‌یابد:

۱. سرمایه فرهنگی تجسم یافته
۲. سرمایه فرهنگی عینیت یافته
۳. سرمایه فرهنگی نهادینه شده

نظریه‌های مرتبط با سرمایه اقتصادی

از نظر بوردیو معنا و مفهوم سرمایه اقتصادی از پهنه اقتصادی سرچشمه می‌گیرد (ریتزر، ۱۳۸۶: ۷۲۵). هم‌چنین سرمایه اقتصادی یا ثروت مادی، در واقع قدرت پرداخت برای شکلی از سرمایه است که می‌تواند تبدیل به کالاهای مادی شود (Hiller & Rooksby, 2002). به نقل از سفیری و آراسته، ۱۳۸۶: ۱۲۶). افراد با داشتن سرمایه اقتصادی می‌توانند کالاهای فرهنگی بیشتری را در اختیار داشته باشند و از امکانات تحصیلی و آموزشی بیشتری برخوردار شوند و از این طریق سرمایه فرهنگی خود را افزایش

دهند. در این راستا سرمایه اقتصادی نیز می‌تواند با توجه به تقویت سرمایه فرهنگی در تقویت فرهنگ سیاسی اثرگذار باشد.

نظریه سرمایه اقتصادی

مناسبات بازار، بیانگر چشم‌اندازی اختصاصاً مدرن از کنش و مناسبات اجتماعی است. این فکر که نظم اجتماعی مدرن، زیر سیطره مناسبات بازار یا حتی بر اساس آن تعریف می‌شود، مشغله اصلی اندیشه اجتماعی مدرن بوده است. به عبارت دیگر، استیلا و سیطره همه‌جانبه مبادلات بازار، تصویر دقیقی از زندگی اجتماعی معاصر به دست می‌دهد (اسلیتر و تونکیس، ۱۳۸۶: ۲۱).

در واقع، در جهان معاصر، منطق بازار چنان شیوه گسترده‌ای برای اندیشیدن درباره نهادهای اجتماعی و کلاً درباره انسان به دست داده است که درباره مسائل متفاوتی چون زندگی شغلی افراد، دسترسی به خدمات عمومی و حتی فعالیت‌های خصوصی هم، می‌توان از مفاهیمی چون رقابت، سرمایه‌گذاری، فایده‌مندی و انتخاب بهره جست (همان: ۹).

مارکس، آدام اسمیت و جان استوارت میل، به عنوان اولین متفکرانی که به مفهوم سرمایه پرداخته‌اند، تصویری مادی و ملموس از سرمایه داشتند (Storberg, 2002: 47). بحث‌های آن‌ها را می‌توان تحت عنوان سرمایه اقتصادی به حساب آورد. در افکار اقتصادی، مفهوم سرمایه در ابتدا به معنای انباشت مقدار پولی بود که به امید بازدهی سودآوری در آینده سرمایه‌گذاری می‌شد (فیلد، ۱۳۸۵: ۱۹).

از نظر بورديو سرمایه اقتصادی یعنی ثروت و پولی که هر بازیگر اجتماعی در دست دارد و شامل سرمایه‌ی تولیدی می‌شود که می‌تواند برای تولید اشیا و خدمات به کار آید. اگرچه بورديو سرمایه اقتصادی را به عنوان یک شکل از سرمایه تشخیص می‌دهد که برای فهم جهان اجتماعی ضروری می‌باشد، حقیقتاً توجه خاصی به این باور سرمایه اقتصادی ندارد که عدم حضور آن ضرورتاً مانع مالکیت همه اشکال سرمایه نیست و این که سرمایه اقتصادی به تنهایی برای فهم چگونگی مزایای فرصت‌های زندگی شخصی که تولید و بازتولید شده‌اند کفایت نمی‌کند (McDonough & Calderone, 2006: 1703-1718).

نظریات مرتبط با فرهنگ سیاسی

لوسیون پای فرهنگ سیاسی را بر اساس توسعه سیاسی مطرح می‌کند و معتقد است فرهنگ سیاسی از سویی با تجارب تاریخ عمومی جامعه یا نظام و از سوی دیگر، با تجارب شخصی افراد، هنگامی که به عضویت جامعه و سپس حکومت در می‌آیند، شکل می‌گیرد.

از نظر گابریل آلموند و سیدنی وربا^۱ فرهنگ سیاسی که ریشه در احساسات، باورها و نگرش‌های افراد دارد، از طریق اجتماعی شدن سیاسی شکل می‌گیرد. آنان فرهنگ سیاسی را به مانند فرهنگ

^۱. Gabriel Almond & Sidney Verba

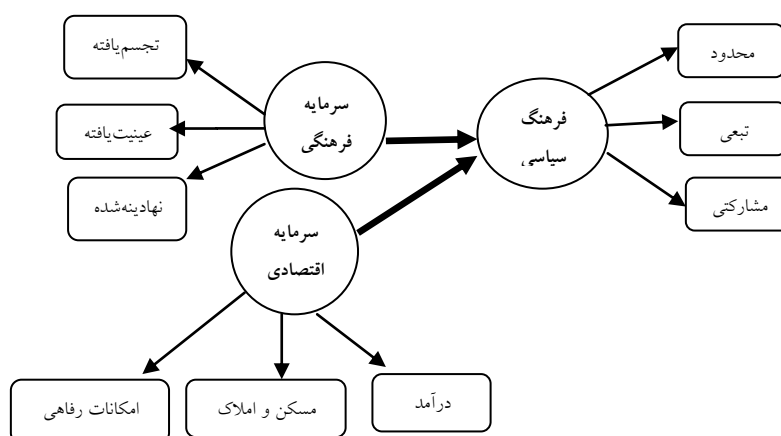
عمومی اکتسابی می‌دانند که فرد در کودکی از طریق نهادهای جامعه‌پذیری کسب می‌کند، در بزرگسالی نیز ضمن حفظ آن می‌تواند آن را اصلاح کرده و نگرش‌های جدیدی نسبت به نظام سیاسی خود پیدا کند، و بر مبنای آن به کنش سیاسی اقدام کند.

بر اساس تعریف جدیدتر از آلموند و پاول (۱۹۹۲)، فرهنگ سیاسی توزیع خاصی از نگرش‌ها، ارزش‌ها، احساسات، اطلاعات و مهارت‌های سیاسی است (مسعودنیا و مهدی‌پور، ۱۳۸۹؛ به نقل از آلموند و پاول، ۱۳۷۵: ۲۷).

روزنامه فرهنگ سیاسی را از جنس جهت‌گیری ذهنی نسبت به مسائل سیاسی می‌داند، اما اولین تعریف را رضایت‌بخش نمی‌داند و معتقد است که باید مشخص ساخت جهت‌گیری ذهنی چه چیزهایی را دربر می‌گیرد. روزنامه با توجه به تعاریف متعددی که از فرهنگ سیاسی به عمل آمده است به ذکر انواع دیگری از فرهنگ سیاسی می‌پردازد. او پس از معرفی اجزاء و عناصر سیاسی به دسته‌بندی فرهنگ سیاسی می‌پردازد و معتقد است که غیرمحمتمل خواهد بود که در جوامع مدرن، فرهنگ سیاسی یک‌دستی یافت شود. به جای آن جهت‌گیری‌های مختلف وجود دارد. به طوری که فرهنگ سیاسی واقعی مخلوطی از عناصر مختلف است بر اساس نظر روزنامه افزون بر سه نوع فرهنگ سیاسی مطرح‌شده توسط آلموند و وربا، انواع دیگری از فرهنگ سیاسی وجود دارد که او به بررسی آن‌ها پرداخته است: ۱. فرهنگ سیاسی مدنی، ۲. فرهنگ سیاسی ایدئولوژیک، ۳. فرهنگ سیاسی همگن، ۴. فرهنگ سیاسی چندباره، ۵. فرهنگ سیاسی پیوسته و ناپیوسته (ساعی و کریمی، ۱۳۹۱؛ به نقل از روزنامه، ۱۹۷۵: ۱۴۹-۱۴۳)

بر مبنای نظریات مطرح شده و با بهره‌گیری از دیدگاه بوردیو و آلموند و وربا، مدل زیر ارائه می‌گردد.

مدل تحقیق



شکل شماره (۱): مدل پژوهش

فرضیات تحقیق

- به نظر می‌رسد بین سرمایه فرهنگی و فرهنگ سیاسی محدود در بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ شمسی تفاوت معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین سرمایه فرهنگی و فرهنگ سیاسی تبعی در بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ شمسی تفاوت معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین سرمایه فرهنگی و فرهنگ سیاسی مشارکتی در بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ شمسی تفاوت معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین سرمایه اقتصادی و فرهنگ سیاسی محدود در بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ شمسی تفاوت معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین سرمایه اقتصادی و فرهنگ سیاسی تبعی در بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ شمسی تفاوت معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین سرمایه اقتصادی و فرهنگ سیاسی مشارکتی در بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ شمسی تفاوت معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق بر اساس نوع داده‌های جمع‌آوری و تحلیل شده، ابتدا اکتشافی و بعد کمی^۱ است. روش پژوهش اکتشافی همان طور که از نام آن مشخص است به دنبال اکتشاف چیزهایی است که رخ می‌دهد و پرسش در مورد آن‌ها است. روش اکتشافی برای بررسی اولیه و آشنایی با جو نمونه‌های مورد مطالعه پیرامون متغیر وابسته یعنی فرهنگ سیاسی استفاده می‌کنند. در روش اکتشافی از شیوه نمونه‌گیری هدف‌مند و عمدی استفاده شده است. بنابراین تعداد افراد محدود نمونه در این روش که از متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ تشکیل شده، جهت آشنایی و بررسی اولیه با توجه به اشیاع نظری و متغیرهای سن و جنس و فعالان حاکمیتی و غیرحاکمیتی و نخبگان و فعالان سیاسی و افراد مختلفی گزینش و انتخاب شده و در یک فرآیند مشخص مصاحبه نیمه عمیق صورت گرفته است.

این تحقیق فرهنگ سیاسی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. روش کمی جامعه آماری ما شامل شهروندان بین ۱۵ تا ۶۵ سال شهر شیراز و متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ خورشیدی است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ تعداد شهروندان بالای ۱۵ سال دهه ۶۰ شمسی، ۵۷۴۴۷۳ نفر می‌باشد. همچنین تعداد شهروندان ۶۵ سال به پایین قبل از دهه ۶۰ شمسی، ۵۸۰۴۱۱ نفر می‌باشد.

در جمع‌آوری اطلاعات، شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود. شهر شیراز ۱۱ منطقه وجود دارد که پرسشنامه‌ها با توجه به تعداد نمونه و بر اساس قانون دست راست و از هر پنج منزل، یک

1. Quantitative

پرسشنامه به صورت تصادفی با توجه به گروه سنی (متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰) توزیع گردیده است. در این پژوهش تعداد حجم نمونه با توجه به جامعه آماری بر اساس جدول مورگان به دست آمده که حجم نمونه متولدین بعد از دهه ۶۰ شمسی، ۳۸۲ نفر و حجم نمونه متولدین قبل از دهه ۶۰ شمسی، ۳۸۲ نفر می‌باشد که اساس تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر قرار گرفته است. پس از پایان یافتن گردآوری پرسشنامه‌ها، داده‌ها استخراج و به کامپیوتر انتقال داده شدند و سپس با استفاده از بسته نرم‌افزار آماری برای علوم اجتماعی^۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در این پژوهش مقیاسی از نوع لیکرت بوده و به منظور سنجش سازگاری درونی گویه‌ها از آماره آلفای کرونباخ استفاده شده است. تجزیه و تحلیل توصیفی داده‌ها به وسیله جداول توزیع فراوانی و مقاطع صورت گرفته، هم‌چنین برای تحلیل رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته از آزمون t و تحلیل واریانس (F) و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

برای سنجش تفاوت معنی‌داری سرمایه فرهنگی بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰، از آزمون T تک نمونه‌ای مستقل استفاده شد. بر مبنای یافته‌های جدول و بر اساس مقدار T که در آن $(T=4/56)$ و سطح معنی‌داری $(sig=0/003)$ می‌باشد، بین سرمایه فرهنگی متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در این بین متولدین بعد از دهه ۶۰، از سرمایه فرهنگی بالاتری برخوردار هستند.

جدول شماره (۱): آزمون تفاوت میانگین سرمایه فرهنگی بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰

متولدین قبل از دهه ۶۰	متولدین بعد از دهه ۶۰	میانگین	انحراف معیار	T	سطح معنی‌داری
۶۷/۷۵	۷۳/۴۸	۱۱/۹۵	۹/۵۷	۴/۵۶	۰/۰۰۳

هم‌چنین برای سنجش تفاوت معنی‌داری سرمایه اقتصادی بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰، از آزمون T تک‌نمونه‌ای مستقل استفاده شد. بر مبنای یافته‌های جدول و بر اساس مقدار T که در آن $(T=4/48)$ و سطح معنی‌داری $(sig=0/003)$ می‌باشد، بین سرمایه اقتصادی متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در این بین متولدین قبل از دهه ۶۰، از سرمایه اقتصادی بالاتری برخوردار هستند.

جدول شماره (۲): آزمون تفاوت میانگین سرمایه اقتصادی بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰

متولدین قبل از دهه ۶۰	متولدین بعد از دهه ۶۰	میانگین	انحراف معیار	T	سطح معنی‌داری
۱۲/۰۵	۷/۶۲	۴/۰۲	۲/۱۲	۴/۴۸	۰/۰۰۰

برای سنجش تفاوت معنی‌داری فرهنگ سیاسی مشارکتی بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ از آزمون T تک نمونه‌ای مستقل استفاده شد. بر مبنای یافته‌های جدول و بر اساس مقدار T که در آن ($T=3/45$) و سطح معنی‌داری ($\text{sig}=0/006$) می‌باشد، بین فرهنگ سیاسی مشارکتی متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در این بین متولدین بعد از دهه ۶۰ از فرهنگ سیاسی مشارکتی بالاتری برخوردار هستند.

جدول شماره (۳): آزمون تفاوت میانگین فرهنگ سیاسی مشارکتی بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰

متولدین قبل از دهه ۶۰	متولدین بعد از دهه ۶۰	میانگین	انحراف معیار	T	سطح معنی‌داری
۳۵/۲	۳۷/۵	۶/۶۹	۵/۸۶	۳/۴۵	۰/۰۰۶

برای سنجش تفاوت معنی‌داری فرهنگ سیاسی تبعی بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ از آزمون T تک نمونه‌ای مستقل استفاده شد. بر مبنای یافته‌های جدول و بر اساس مقدار T که در آن ($T=3/01$) و سطح معنی‌داری ($\text{sig}=0/01$) می‌باشد، بین فرهنگ سیاسی تبعی متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در این بین فرهنگ سیاسی تبعی متولدین قبل از دهه ۶۰ سطح بالاتری دارد.

جدول شماره (۴): آزمون تفاوت میانگین فرهنگ سیاسی تبعی بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰

متولدین قبل از دهه ۶۰	متولدین بعد از دهه ۶۰	میانگین	انحراف معیار	T	سطح معنی‌داری
۲۷/۵	۲۴/۹۳	۴/۸۴	۴/۱۱	۳/۰۱	۰/۰۱

برای سنجش تفاوت معنی‌داری فرهنگ سیاسی محدود بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ از آزمون T تک نمونه‌ای مستقل استفاده شد. بر مبنای یافته‌های جدول و بر اساس مقدار T که در آن ($T=1/29$) و سطح معنی‌داری ($\text{sig}=0/195$) می‌باشد، بین فرهنگ سیاسی محدود متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

جدول شماره (۵): آزمون تفاوت میانگین فرهنگ سیاسی محدود بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰

متولدین قبل از دهه ۶۰	متولدین بعد از دهه ۶۰	میانگین	انحراف معیار	T	سطح معنی‌داری
۱۱/۳۰	۱۱/۰۴	۲/۹۴	۲/۵۵	۱/۲۹	۰/۱۹۵

بررسی فرضیه اول: برای سنجش رابطه بین سرمایه فرهنگی و فرهنگ سیاسی محدود از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. بدین منظور در جداول تفکیک شده میزان سرمایه فرهنگی را در بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ شمسی و کل با هم آورده‌ایم تا بررسی کنیم در کدامیک از نسل‌ها فرضیه رابطه بین این دو تأیید شده است.

جدول شماره (۶) بیان می‌دارد که در متولدین قبل از دهه ۶۰ شمسی، با ضریب همبستگی (-۰/۱۵۴) و سطح معناداری (۰/۰۰۴) رابطه معناداری بین آن‌ها وجود دارد و این فرضیه که رابطه معناداری بین مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی (سرمایه فرهنگی تجسم یافته، سرمایه فرهنگی عینیت یافته و سرمایه فرهنگی نهادینه شده) و فرهنگ سیاسی محدود در بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ شمسی وجود دارد، تأیید می‌شود. از سوی دیگر در متولدین بعد از دهه ۶۰ شمسی با سطح معناداری (۰/۰۰۰) این فرضیه مورد تأیید قرار می‌گیرد. بدین معنا که با تفاوت در مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی، در فرهنگ سیاسی محدود پاسخگویان نیز تفاوت ایجاد می‌شود. در نهایت باید گفت که این فرضیه برای کل جامعه آماری (۷۷۰) نفری تحقیق با سطح معناداری (۰/۰۰۰) مورد تأیید قرار گرفته است. در کل با توجه به رابطه منفی و معکوس بین مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی (سرمایه فرهنگی تجسم یافته، سرمایه فرهنگی عینیت یافته و سرمایه فرهنگی نهادینه شده) و فرهنگ سیاسی محدود پاسخگویان، باید اشاره نمود که پاسخگویان هرچه سرمایه فرهنگی بیشتری داشته باشند، فرهنگ سیاسی محدود در آن‌ها کاهش خواهد یافت.

جدول شماره (۶): بررسی رابطه بین میزان سرمایه فرهنگی با فرهنگ سیاسی محدود

متغیر وابسته	قبل از دهه ۶۰	بعد از دهه ۶۰	کل
متغیر مستقل	فرهنگ سیاسی محدود	فرهنگ سیاسی محدود	فرهنگ سیاسی محدود
	$r = -0/154$	$r = -0/250$	$r = -0/189$
سرمایه فرهنگی	$Sig = 0/004$	$Sig = 0/000$	$Sig = 0/000$
	$N = 384$	$N = 386$	$N = 770$

بررسی فرضیه دوم: برای سنجش رابطه بین سرمایه فرهنگی و فرهنگ سیاسی تبعی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. بدین منظور در جداول تفکیک شده میزان سرمایه فرهنگی را در بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ شمسی و کل با هم آورده‌ایم تا بررسی کنیم در کدام یک از نسل‌ها فرضیه رابطه بین این دو تأیید شده است.

جدول شماره (۷) بیان می‌دارد که در متولدین قبل از دهه ۶۰ شمسی، با ضریب همبستگی (-۰/۳۱۰) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) رابطه معناداری بین آن‌ها وجود دارد و این فرضیه که رابطه معناداری بین مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی (سرمایه فرهنگی تجسم یافته، سرمایه فرهنگی عینیت یافته و سرمایه فرهنگی نهادینه شده) و فرهنگ سیاسی تبعی در بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ شمسی وجود دارد، تأیید می‌شود. از سوی دیگر در متولدین بعد از دهه ۶۰ شمسی با سطح معناداری (۰/۰۰۰) این فرضیه

مورد تأیید قرار می‌گیرد. بدین معنا که با تفاوت در مولفه‌های سرمایه فرهنگی، در فرهنگ سیاسی تبعی پاسخگویان نیز تفاوت ایجاد می‌شود. در نهایت باید گفت که این فرضیه برای کل جامعه آماری (۷۷۰) نفری تحقیق با سطح معناداری (۰/۰۰۰) مورد تأیید قرار گرفته است. در کل با توجه به رابطه منفی و معکوس بین مولفه‌های سرمایه فرهنگی (سرمایه فرهنگی تجسم یافته، سرمایه فرهنگی عینیت یافته و سرمایه فرهنگی نهادینه شده) و فرهنگ سیاسی تبعی پاسخگویان، باید اشاره نمود که پاسخگویان هرچه سرمایه فرهنگی بیشتری داشته باشند، گرایش فرهنگ سیاسی تبعی در آن‌ها کاهش خواهد یافت.

جدول شماره (۷): بررسی رابطه بین میزان سرمایه فرهنگی با فرهنگ سیاسی تبعی

متغیر وابسته	قبل از دهه ۶۰	بعد از دهه ۶۰	کل
متغیر مستقل	فرهنگ سیاسی تبعی	فرهنگ سیاسی تبعی	فرهنگ سیاسی تبعی
	$r = -۰/۳۱۰$	$r = -۰/۳۸۶$	$r = -۰/۳۳۳$
سرمایه فرهنگی	Sig = ۰/۰۰۰	Sig = ۰/۰۰۰	Sig = ۰/۰۰۰
	N = ۳۸۴	N = ۳۸۶	N = ۷۷۰

بررسی فرضیه سوم: برای سنجش رابطه بین سرمایه فرهنگی و فرهنگ سیاسی مشارکتی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. بدین منظور در جداول تفکیک شده میزان سرمایه فرهنگی را در بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ شمسی و کل با هم آورده‌ایم تا بررسی کنیم در کدام یک از نسل‌ها فرضیه رابطه بین این دو تأیید شده است.

جدول شماره (۸) بیان می‌دارد که در متولدین قبل از دهه ۶۰ شمسی، با ضریب همبستگی (۰/۴۱۳) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) رابطه معناداری بین آن‌ها وجود دارد و این فرضیه که رابطه معناداری بین مولفه‌های سرمایه فرهنگی (سرمایه فرهنگی تجسم یافته، سرمایه فرهنگی عینیت یافته و سرمایه فرهنگی نهادینه شده) و فرهنگ سیاسی مشارکتی در بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ شمسی وجود دارد، تأیید می‌شود. از سوی دیگر در متولدین بعد از دهه ۶۰ شمسی با سطح معناداری (۰/۰۰۰) این فرضیه مورد تأیید قرار می‌گیرد. بدین معنا که با تفاوت در مولفه‌های سرمایه فرهنگی، در فرهنگ سیاسی مشارکتی پاسخگویان نیز تفاوت ایجاد می‌شود. در نهایت باید گفت که این فرضیه برای کل جامعه آماری (۷۷۰) نفری تحقیق با سطح معناداری (۰/۰۰۰) مورد تأیید قرار گرفته است. در کل با توجه به رابطه مثبت و مستقیم بین مولفه‌های سرمایه فرهنگی (سرمایه فرهنگی تجسم یافته، سرمایه فرهنگی عینیت یافته و سرمایه فرهنگی نهادینه شده) و فرهنگ سیاسی مشارکتی پاسخگویان، باید اشاره نمود که پاسخگویان هرچه سرمایه فرهنگی بیشتری داشته باشند، گرایش به فرهنگ سیاسی مشارکتی در آن‌ها افزایش خواهد یافت.

جدول شماره (۸): بررسی رابطه بین میزان سرمایه فرهنگی با فرهنگ سیاسی مشارکتی

متغیر وابسته	قبل از دهه ۶۰	بعد از دهه ۶۰	کل
فرهنگ سیاسی مشارکتی	فرهنگ سیاسی مشارکتی	فرهنگ سیاسی مشارکتی	فرهنگ سیاسی مشارکتی
	$r=0/413$	$r=0/515$	$r=0/464$
سرمایه فرهنگی	$Sig=0/00$	$Sig=0/000$	$Sig=0/000$
	$N=384$	$N=386$	$N=770$

بررسی فرضیه چهارم: برای سنجش رابطه بین سرمایه اقتصادی و فرهنگ سیاسی محدود از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. بدین منظور در جداول تفکیک شده میزان سرمایه اقتصادی را در بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ شمسی و کل با هم آورده‌ایم تا بررسی کنیم در کدام یک از نسل‌ها فرضیه رابطه بین این دو تأیید شده است.

جدول شماره (۹) بیان می‌دارد که در متولدین قبل از دهه ۶۰ شمسی، با ضریب همبستگی $(-0/472)$ و سطح معناداری $(0/000)$ رابطه معناداری بین آن‌ها وجود دارد و این فرضیه که رابطه معناداری بین سرمایه اقتصادی و فرهنگ سیاسی محدود در بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ شمسی وجود دارد، تأیید می‌شود. از سوی دیگر در متولدین بعد از دهه ۶۰ شمسی با سطح معناداری $(0/000)$ این فرضیه مورد تأیید قرار می‌گیرد. بدین معنا که با تفاوت در سرمایه اقتصادی، در فرهنگ سیاسی محدود پاسخگویان نیز تفاوت ایجاد می‌شود. در نهایت باید گفت که این فرضیه برای کل جامعه آماری (770) نفری تحقیق با سطح معناداری $(0/000)$ مورد تأیید قرار گرفته است. در کل با توجه به رابطه منفی و معکوس بین سرمایه اقتصادی و فرهنگ سیاسی محدود پاسخگویان، باید اشاره نمود که پاسخگویان هرچه سرمایه اقتصادی بیشتری داشته باشند، گرایش آن‌ها به فرهنگ سیاسی محدود کاهش خواهد یافت.

جدول شماره (۹): بررسی رابطه بین میزان سرمایه اقتصادی با فرهنگ سیاسی محدود

متغیر وابسته	قبل از دهه ۶۰	بعد از دهه ۶۰	کل
فرهنگ سیاسی محدود	فرهنگ سیاسی محدود	فرهنگ سیاسی محدود	فرهنگ سیاسی محدود
	$r=-0/472$	$r=-0/372$	$r=-0/373$
سرمایه اقتصادی	$Sig=0/000$	$Sig=0/000$	$Sig=0/000$
	$N=384$	$N=386$	$N=770$

بررسی فرضیه پنجم: برای سنجش رابطه بین سرمایه اقتصادی و فرهنگ سیاسی تبعی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. بدین منظور در جداول تفکیک شده میزان سرمایه اقتصادی را در بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ شمسی و کل با هم آورده‌ایم تا بررسی کنیم در کدام یک از نسل‌ها فرضیه رابطه بین این دو تأیید شده است.

جدول شماره (۱۰) بیان می‌دارد که در متولدین قبل از دهه ۶۰ شمسی، با ضریب همبستگی (۰/۳۱۵) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) رابطه معناداری بین آن‌ها وجود دارد و این فرضیه که رابطه معناداری بین سرمایه اقتصادی و فرهنگ سیاسی تبعی در بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ شمسی وجود دارد، تأیید می‌شود. از سوی دیگر در متولدین بعد از دهه ۶۰ شمسی با سطح معناداری (۰/۰۰۰) این فرضیه مورد تأیید قرار می‌گیرد. بدین معنا که با تفاوت در سرمایه اقتصادی، در فرهنگ سیاسی محدود پاسخگویان نیز تفاوت ایجاد می‌شود. در نهایت باید گفت که این فرضیه برای کل جامعه آماری (۷۷۰) نفری تحقیق با سطح معناداری (۰/۰۰۰) مورد تأیید قرار گرفته است. در کل با توجه به رابطه منفی و معکوس بین سرمایه اقتصادی و فرهنگ سیاسی تبعی پاسخگویان، باید اشاره نمود که پاسخگویان هر چه سرمایه اقتصادی بیشتری داشته باشند، گرایش آن‌ها به فرهنگ سیاسی تبعی کاهش خواهد یافت.

جدول شماره (۱۰): بررسی رابطه بین میزان سرمایه اقتصادی با فرهنگ سیاسی تبعی

متغیر وابسته	قبل از دهه ۶۰	بعد از دهه ۶۰	کل
متغیر مستقل	فرهنگ سیاسی تبعی	فرهنگ سیاسی تبعی	فرهنگ سیاسی تبعی
	$r = -0.315$	$r = -0.283$	$r = -0.291$
سرمایه اقتصادی	$Sig = 0.000$	$Sig = 0.000$	$Sig = 0.001$
	$N = 384$	$N = 386$	$N = 770$

بررسی فرضیه ششم: برای سنجش رابطه بین سرمایه اقتصادی و فرهنگ سیاسی مشارکتی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. بدین منظور در جداول تفکیک شده میزان سرمایه اقتصادی را در بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ شمسی و کل با هم آورده‌ایم تا بررسی کنیم در کدام یک از نسل‌ها فرضیه رابطه بین این دو تأیید شده است.

جدول شماره (۱۱) بیان می‌دارد که در متولدین قبل از دهه ۶۰ شمسی، با ضریب همبستگی (۰/۴۲۵) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) رابطه معناداری بین آن‌ها وجود دارد و این فرضیه که رابطه معناداری بین سرمایه اقتصادی و فرهنگ سیاسی مشارکتی در بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ شمسی وجود دارد، تأیید می‌شود. از سوی دیگر در متولدین بعد از دهه ۶۰ شمسی با سطح معناداری (۰/۰۰۰) این فرضیه مورد تأیید قرار می‌گیرد. بدین معنا که با تفاوت در سرمایه اقتصادی، در فرهنگ سیاسی مشارکتی پاسخگویان نیز تفاوت ایجاد می‌شود. در نهایت باید گفت که این فرضیه برای کل جامعه آماری (۷۷۰) نفری تحقیق با سطح معناداری (۰/۰۰۰) مورد تأیید قرار گرفته است. در کل با توجه به رابطه مثبت و مستقیم بین سرمایه اقتصادی و فرهنگ سیاسی مشارکتی پاسخگویان، باید اشاره نمود که پاسخگویان هر چه سرمایه اقتصادی بیشتری داشته باشند، گرایش آن‌ها به فرهنگ سیاسی مشارکتی افزایش خواهد یافت.

جدول شماره (۱۱): بررسی رابطه بین میزان سرمایه اقتصادی با فرهنگ سیاسی مشارکتی

متغیر وابسته	قبل از دهه ۶۰	بعد از دهه ۶۰	کل
فرهنگ سیاسی مشارکتی	فرهنگ سیاسی مشارکتی	فرهنگ سیاسی مشارکتی	فرهنگ سیاسی مشارکتی
	$F=۰/۵۷۳$	$F=۰/۴۲۵$	$F=۰/۵۱۲$
سرمایه اقتصادی	$Sig=۰/۰۰۰$	$Sig=۰/۰۰۰$	$Sig=۰/۰۰۰$
	$N=۳۸۴$	$N=۳۸۶$	$N=۷۷۰$

نتیجه گیری

این پژوهش، به بررسی تأثیر سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی بر فرهنگ سیاسی شهروندان شیراز با تأکید بر متولدين قبل و بعد از دهه ۶۰ می‌پردازد. از زمانی که آلموند و وربا در دهه ۶۰ اقدام به طبقه‌بندی فرهنگ‌های سیاسی نمودند، آن چه نظریه‌پردازان فرهنگ سیاسی را به خود مشغول داشته، ریشه‌های وجود و بروز فرهنگ مدنی در بعضی از جوامع و فقدان آن در برخی دیگر است. یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های اثرگذار بر روند نوسازی و توسعه سیاسی، فرهنگ سیاسی است. کشورهایی که از فرهنگ سیاسی پیچیده و در هم تنیده‌ای برخوردارند، در روند توسعه با مشکلاتی روبرو می‌شوند. در هم تنیدگی لایه‌های مختلف فرهنگ سیاسی یکی از عوامل اضطراب‌ها و هیجانات سیاسی در حوزه‌های جغرافیایی و کشورهای در حال توسعه است.

با توجه به نقش فرهنگ سیاسی در ساختار حکومتی کشورهای مختلف، می‌توان گفت ظهور ناآرامی‌های داخلی، جدال‌های سیاسی و شورش‌های اجتماعی، پیوند بسیار نزدیکی با ساختار و کیفیت فرهنگ سیاسی کشورها دارد. صاحب‌نظران معتقدند در یک نظام سیاسی نسبتاً باثبات که همه ساختارها، نهادها و فرایندهای سیاسی به تقویت و حمایت از یکدیگر تمایل دارند، فرهنگ سیاسی یکپارچه‌ای وجود دارد. انسجام و یکپارچگی در فرهنگ سیاسی، عامل اصلی همگونی و هماهنگی در جهت‌گیری رفتار شهروندان است. در این گونه جوامع، رهبران سیاسی نیز از هماهنگی، همخوانی و تجانس برخوردارند. در این راستا تاکنون نظریات گوناگونی از سوی اندیشمندان جهت توجیه تفاوت‌های فرهنگی جوامع مطرح شده است که یکی از عوامل مؤثری که در این راستا بر آن تأکید شده و گاه همسان با فرهنگ سیاسی تلقی شده است، مبحث انواع سرمایه است که موضوع پژوهش حاضر بود.

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل‌ها، باید اشاره نمود که در بین متولدين بعد از دهه ۶۰، حساسیت بیشتری نسبت به فرهنگ سیاسی محدود و تبعی وجود دارد و آن‌ها نمره منفی بالاتری نسبت به متولدين قبل از دهه ۶۰ گرفتند، بدین معنا که انزجار و فاصله‌گذاری آنان نسبت به این دو نوع از فرهنگ سیاسی بیشتر است و تبعیت از حاکمیت به صورت صرف را بر نمی‌تابند. از سوی دیگر، بالاتر بودن نمره سرمایه اجتماعی در در رابطه با فرهنگ سیاسی مشارکتی در بین دهه‌های پس از ۶۰ نشان می‌دهد که آنان آمادگی بیشتری برای همراهی و مشارکت در حاکمیت و نظام سیاسی دارند و این گروه می‌تواند به عنوان جامعه هدف، جهت تشویق و حضور بیشتر در عرصه سیاسی مورد توجه سیاست‌یون قرار گیرد.

نتایج پژوهش بر اساس فرضیه‌های ۱ تا ۳ نشان می‌دهد سرمایه فرهنگی، تأثیر مستقیمی بر فرهنگ سیاسی دارد. به عبارت دیگر، هرچه میزان فرهنگ مشترک، ارزش‌های اخلاقی مشترک، اهداف مشترک، سطح تحصیلات بالاتر، آگاهی از امور اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بیشتر شود، تأثیر مثبتی بر گرایش به فرهنگ سیاسی مشارکتی می‌گذارد. بدین ترتیب افرادی که از سرمایه فرهنگی بالاتری برخوردارند، مشارکت بیشتری در فعالیت‌های سیاسی دارند و از سوی دیگر از فرهنگ سیاسی محدود و تبعی فاصله می‌گیرند. به عبارت دیگر، افرادی که در فعالیت‌های سیاسی مشارکت می‌جویند، سوژه‌هایی حامل ارزش‌ها و فرهنگ مشترک خاص هستند. این افراد برضد بیگانگی خود با جامعه و گرایش‌های فرهنگی و اجتماعی بیگانه‌کننده، به ستیز بر می‌خیزند؛ از پذیرش نقش‌های انتسابی خود سر باز می‌زنند و کنشی را پی می‌گیرند که بر خود تعیین‌کنندگی متمرکز است.

این موضوع با نتایج پژوهش‌های حمیدی هریس و راد (۱۳۹۶)، جهانگیری (۱۳۸۷)، فعلی و ذوالفقاری (۱۳۸۸)، امینی و خسروی (۱۳۸۶)، حسینی (۱۳۹۱) و Georg (2004)، همسو می‌باشد.

همان‌طور که نتایج تحلیل نشان می‌دهد، سرمایه فرهنگی در میان جوانان دهه ۶۰ به بعد، اثرگذاری قابل توجهی در فاصله‌گیری از فرهنگ سیاسی محدود و تبعی ایجاد کرده است. بر این اساس، چنین جوانانی که سرشار از حس فرهنگ‌طلبی، رشد شخصیتی و آگاهی بیشتری هستند، و همین‌طور تحصیلات دانشگاهی و آزادمنشی بالاتری دارند، در جستجوی مشارکت در سیاست و اثرگذاری سیاسی و اجتماعی هستند، به نحوی که جزوی از نظام سیاسی قلمداد شوند و حس حضور و مهم بودن کنند. پس دیده‌انگاشته شدن این نسل و توجه بیشتر در راستای گسترش مسایل فرهنگی از قبیل سینما، تئاتر، رسانه‌ها، فضای آکادمیک و سپهر عمومی، می‌تواند مشوق و تقویت‌کننده این نسل جهت برقراری ارتباط با فضای سیاسی کشور و دموکراتیک‌تر شدن فضای کشور شود.

فرضیات ۴ تا ۶ به رابطه سرمایه اقتصادی با انواع فرهنگ سیاسی مشارکتی، تبعی و محدود پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که پاسخگویان به شدت از فرهنگ سیاسی محدود‌گریزان هستند و از سوی دیگر، هر چه سرمایه اقتصادی بالاتری داشته باشند، گرایش‌شان به انتخاب و مشارکت و همراهی در امور سیاسی بیشتر است. این نتایج با پژوهش‌های پناهی و امینی (۱۳۹۰)، فائق و باینگانی (۱۳۹۵)، و لی هونگ دوانگ (۲۰۰۲)، و هسن (۲۰۱۱)، هم‌راستا است. نکته این است که نقطه مقابل پژوهش پناهی و امینی (۱۳۹۰)، که اشاره می‌کند اقتصاد رانتی نفتی منجر به سرمایه‌داری دولتی شده و فرهنگ سیاسی تبعی و حتی محدود را می‌تواند تقویت کند و سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهد؛ سرمایه اقتصادی در بین آحاد جامعه و شهروندان، موجب شکل‌گیری انتظاراتی از آنان می‌شود که دخالت و اثرگذاری در امور سیاسی و انتخاب کردن نمایندگان خود را می‌طلبد. در این بین متولدین قبل از دهه ۶۰ در این مقوله یعنی سرمایه اقتصادی، اثرگذاری بیشتری داشته‌اند که دال بر این است که، جایگاه آنان از لحاظ سرمایه

اقتصادی بالاتر از متولدین بعد از دهه ۶۰ است، چرا که سن بیشتری دارند و ثبات و وضعیت اقتصادی روشن‌تری را کسب نموده‌اند.

در پایان لازم به ذکر است که این پژوهش به برنامه‌ریزان راهکارهایی ارائه می‌دهد، تا بتوانند به سامان‌دهی و همسانی آن‌ها با نظام سیاسی فرهنگی کمک کرده، و از تنش‌هایی که از بیگانگی سیاسی با حاکمیت ناشی می‌شود، جلوگیری کند. پیشنهادهای پژوهش به شرح زیر است:

۱- افزایش آگاهی مردم در جهت مسئله‌گشایی و حل مسائل و مشارکت اجتماعی بر اساس شیوه‌های عقلایی. بر این اساس، برگزاری کارگاه‌ها و سمینارهای آموزشی برای تقویت نگرش مسئله‌یابی و حل مسئله با در نظر گرفتن رویکرد مشارکتی،

۲. بسترسازی در جهت مشارکت همگانی در اداره امور جامعه برای تقویت مسؤلیت‌پذیری و حس تعلق اجتماعی در افراد.

۳. تقویت پایه‌های مناسبات اجتماعی، نظارت‌های فAMILI و سیستم‌های حمایتی برای جلوگیری از احساس انزوای اجتماعی. در این خصوص هر چه مناسبات اجتماعی و سیستم‌های حمایتی و خانوادگی قوی‌تر باشد، قاعدتاً سرمایه اجتماعی افراد پررنگ‌تر خواهد شد، و بر این اساس گرایش به سوی فرهنگ سیاسی مشارکتی بیشتر خواهد شد.

منابع

- احمدی، یعقوب؛ و نمکی، آزاد. (۱۳۹۱). سرمایه اجتماعی و گونه دموکراتیک فرهنگ سیاسی، *فصلنامه علوم اجتماعی*. شماره ۵۹، صص ۲۴۵-۲۹۹.
- اسلیتر، دن؛ و تونکس، فرن. (۱۳۸۶). *جامعه بازار*. ترجمه: حسین، قاضیان. تهران: نشر نی.
- اکبرزاده، فاطمه؛ دهقانی، حمید؛ خوشفر، غلامرضا؛ و جانعلی‌زاده چوب بستی، حیدر. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر سه نوع سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر شادی جوانان، *جامعه‌شناسی کاربردی*. شماره ۵۰، صص ۶۷-۸۸.
- پناهی، محمدحسین؛ و بنی‌فاطمه، سمیه‌السادات. (۱۳۹۴). فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان، *فصلنامه علوم اجتماعی*. شماره ۶۸، صص ۶۵-۷۸.
- پورافکاری، نصرالله. (۱۳۹۱). تبیین گرایش و فرهنگ سیاسی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه اصفهان)، *نشریه علوم اجتماعی* **شونستر**. سال ۴، شماره ۱۶، صص ۱۰۶-۷۵.
- حمیدی هریس؛ و راد، فیروز. (۱۳۹۶). بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، *مطالعات جامعه‌شناسی*. سال ۹، شماره ۳۵، صص ۸۱-۶۵.
- ریتزر، جورج. (۱۳۸۶). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه: محسن، ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- ساعی، علی؛ و کریمی، زهیر. (۱۳۹۱). تحلیل فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی اصلاح‌طلب و اصولگرا، *مجله جامعه‌شناسی ایران*. دوره ۱۳، شماره ۴، صص ۱۴۷-۱۱۷.
- سردارنیا، خلیل‌اله؛ و یوسفی، بهمن. (۱۳۹۵). سنجش رابطه اعتماد و عضویت در انجمن‌های داوطلبانه با فرهنگ سیاسی دانشجویان: مطالعه موردی، دانشجویان دانشگاه شیراز، *دو فصلنامه دانش سیاسی*. دوره ۱۲، شماره ۱ (پیاپی ۲۳).
- سفیری، خدیجه؛ و آراسته، راضیه. (۱۳۸۶). بررسی رابطه سرمایه اقتصادی زنان با نوع روابط همسران در خانواده، *مجله علمی پژوهشی تحقیقات زنان*. سال دوم، شماره اول، ۱۴۷-۱۴۱.
- شریف، م. (۱۳۸۱). *انقلاب آرام: درآمدی بر تحول فرهنگ سیاسی در ایران*. تهران: روزنه.
- شویره، کریستیان؛ فونتن، اولیویه؛ و زرده ژان، پی‌یر. (۱۳۸۵). *واژگان بورديو*. ترجمه: مرتضی، کتبی. تهران: نشر نی. چاپ اول.
- صالحی امیری، سیدرضا. (۱۳۸۶). *مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی*. تهران: ققنوس.
- فائقی، سحر؛ و باینگانی، بهمن. (۱۳۹۵). سنجش سرمایه فرهنگی طبقات بر اساس پایگاه اقتصادی-اجتماعی در میان شهروندان اصفهانی، *جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*. سال ۷، صص ۱۷۴-۱۴۹.
- فیلد، جان. (۱۳۸۵). *سرمایه اجتماعی*. ترجمه: جلال، متقی. تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- کنعانی، محمدمامین؛ عزیزخانی، اقباله؛ و کلانتری، حوریه. (۱۳۹۲). انواع سرمایه (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) و رابطه آن‌ها با خشونت خانگی علیه زنان، *مطالعات علوم اجتماعی*. شماره ۳۹، صص ۱۰۳-۸۸.
- گلچین، مسعود؛ حق‌خواه، مژگان؛ و سیدی، فرشته. (۱۳۸۷). فرهنگ سیاسی دموکراتیک و عوامل موثر بر آن، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*. سال ۱۶، شماره ۶۱، صص ۲۳۵-۱۸۹.
- گنجی، محمد؛ و حیدریان، امین. (۱۳۹۳). سرمایه فرهنگی و اقتصاد فرهنگ (با تأکید بر نظریه‌های پی‌یر بورديو و دیوید تراسی)، *نشریه راهبرد*. شماره ۷۲، صص ۹۷-۷۷.
- مسعودنیا، حسین؛ و مهدی‌پور، آسیه. (۱۳۹۰). فرهنگ سیاسی قبیله‌ای و مشارکت سیاسی در استان ایلام، *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*. شماره ۲۶، صص ۸۹-۶۱.
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۳). معرفی مفهوم طبقه از دیدگاه بورديو، *پژوهشنامه علوم انسانی*. شماره‌های ۴۲-۴۱، صص ۱۶۰-۱۴۹.
- Andersen, P., L. and Hensen, M., N. (2011). Class and Cultural Capital: The Case of Class Inequality in Educational Performance, *European Sociological Review*. 27, 1, P.p: 1-15.

-
- Bourdieu, P. (1984). **Homo Academics**. Cambridge: Polity Press.
- Bourdieu, P. (1986). The forms of Capital. **J. G. Richardson s Handbook for Theory and Research for Sociology of Education**.
- Georg, W. (2004). Cultural capital and Political Culture in life Course, **European Sociological Review**. 20, 4, P.p: 333-344.
- Hiller, j. and Rooksby, E. (2002). **Abitus: A sense of place**. USA: A shgate Publishing.
- McDonough, P., M. and Calderone, S. (2006). The meaning of money: Perceptual differences between college counselors and low-income families about college costs and financial aid, **American Behavioral Scientist**. 49, 12, P.p: 1703- 1718.
- Paulsen, M., B. and St. John, E., P. (2002). Social class and college costs: Examining the financial nexus between college choice and persistence, **Journal of Higher Education**. 73, 2, P.p:189-236.
- Storberg, J. (2002). The Evolution of Capital Theory: A Critque of a Theory of Social Capital and Implications For HRD, **Human Resource Development Review**. 3, p: 135.
- Swartz, D. (1997). **Culture and power: the sociology of Pierre Bourdieu**. The university of Chicago press.
- Throsby, D. (1999). Cultural Capital, **Journal of Cultural Economics**. 23, P.p: 3-12.
- Wang, & Yamagishi, T. (2005). Grip-based and Gender Differences in China, **Asian Journal of Social Psychology**. 8, P.p: 12-25.

Investigating the Effect of Cultural and Economic Capital on the Political Culture of Shiraz's Citizens (with an Emphasis on a Comparative Study of the Individuals Born before and after 1980s)

Shahrokh Amiri

Ph. D student, Department of Sociology, Political Sociology Orientation, Faculty of Social Sciences, Islamic Azad university, Jahrom Unit, Jahrom, Iran.

Alireza Khoddami

Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Islamic Azad university, Jahrom Unit, Jahrom, Iran (Corresponding Author).

Keramatollah Rasekh

Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Islamic Azad university, Jahrom Unit, Jahrom, Iran.

One of the prerequisites influencing the transition to democracy is the political culture which is a very important indicator. According to some thinkers, political culture is a function of conditions, including economic, social, and cultural supports. The present study deals with such presumption as the effectiveness of the cultural-economic capital in the political culture's enhancement in Shiraz. The study and the data collection methods are exploratory and survey respectively. Data has been collected using multistep cluster sampling. The survey was conducted on 382 individuals who had been born before the 1980s and 382 individuals who had been born after the 1980s. The study instrument is SPSS Software. The study findings and results indicated that, there is a significant relationship between the cultural capital and economic capital of the two generations. Moreover, various types of political culture significantly differ between the two generations. Furthermore, there was found a negative and significant difference between cultural-economic capital and limited and subordinate political culture amongst the two generations. On the other hand, the corroboration of the cultural-economic capital brings about growth and blossoming in the participatory political culture between the two generations as evidenced in the hypotheses tests.

Key words: *Cultural Capital, Economic Capital, Limited Political Culture, Subordinate Political Culture, Participatory Political Culture, Generation, Shiraz.*